کتاب به صورت قاعدهمند در سیطح شیهرها

تبلیغ شـود بـه هرحـال ذهن مـردم در گیر میشود که این چه کتابی اسـت که این همه

تبليغ مي كننسد و برويسم أن را تهيه و مطالعه

مشکل اصلی در زمینه تبلیغ کتاب هم قشر

کتابخوان بالقوه هستند که هنوز انگیزهای برای رفتن به سوی کتاب را پیدا نکردهاند و معروفند به این که هیچ کتابی تا کنون نخواندهاند که

اید علاوه بر آموزش و تبعیت محرکهای

دیگری مانند تشــویق و قدردانی برای آنان در

قیمت کتاب تا چه میزان بر کتابخوانی

میر می محارد. قیمت کتاب در انتخاب مشتری نقش دارد

۔ جامعہ مفید است زیرا وقتی یک نفر کتابسی را میخواند

یس از اُن رفتارشُ در سطُح جامعه اثر می گذارد و مثلا

ا: ارتكاب بزهها و جرايم

قیمــت گــــذاری قدری

قيمت يشت جلدبر أيندى

است از قیمت تمام شده

ودرصدی کے ناشے برای

ر ر ر ت توزیع و فروش درنظر گرفته و بدان اضافه میشود. قیمت

نمام شــده هم عددي است

كه از حق تاليف، حق تايپ

ویرایس، صفحهبندی و

رار" طراحی روی جلد به انضمام

هزینههای چاپ و صحافی،

انبارِ داری، حملونقل، توزیع

چرا کتاب در سالهای اخیـر اینقدر

ت رکی . متناسب بـودامـا افزایـش قیمـت کاغذ و هزینههای حمل ونقـل و انبارداری بر آن تأثیر

یشتری گذاشت. باید گفت که از سال ۸۴ تا ۳ شــیب تندی در افزایش قیمتُ ها رخ داد.

اگـر در ابتدای دهه هشـتاد قیمت متوسـط

کتاب ۲۰۰۰ تومان بود امروز باید به صورت میانگیس ۱۰۰۰۰ تومان برای خریدهر کتاب

" " " این روند هم هزینه کنیم. برای جلوگیــری از این روند هم سیاستهای حمایتی دولت بسیار موثر است

زیرا در همه دنیا رسم بر آن است که دولت مواد

اُولیه ارزان و با کیفیت را برای صنعت چاپ و نشر آماده می کند که اکنون بیشترین مشکل

ما به همین تهیه مواد اولیکه ارزان و با کیفیت بر می گردد زیرا داخل کشور تولید نمی شود و

به مطر شما ممیری کتاب چقدر بر کتابخوانی تأثیر دارد؟ عواما دفتا

. رکی ... عوامــل مختلف، بر میــزان کتابخوانی تأثیر متفاوت دارند. نسبت تأثیر نظارت بر کتابخوانی

هم باُید در ُکنار دیگر عوامل سنجیده شود.

هنظر من رشد و تكامل در حيطه نظارت و

شـیوههای مدرن آن برای جامعـه ایران لازم

ر.ن گرانسی با افزایسش حقوق و ده

ر ساری می کند. د**ریار همکس**ا

توضيح دهيد.

امااگر مخاطب به کتابی احساس نیاز کن یعنی بداند که حتما باید آن را تهیه کند، تأث قیمت کاهش می یابد. البته باید در نظر گرفت کے خوانش کتاب نے برای

سه حوانش کتاب نسه برای تبلیغات کتابخوانیهم یک شسخص که بسرای کل

تأثير مى گذارد؟

۲ نوع است: یکی این که مردم كلابهامر كتابخواني توجه

كنندود يگرى اين كەبخش

خصوصى وظيفه تبليغ رابه

عهدهبگیردومخاطبانرابرای آگاهیاز کتابهایمنتشر

شده آگاه کند. در این زمینه

هم ۳راه وجوددارد: تبليغ

كتاب پيشاز چاپودر حال

نوشتن،در حال انتشارو توزيع

ودر زمان فروش كه اين روند

تبليغ درايران هيج گاهمحقق

نمىشودواگر هم شودذوق و

سليقهشخصىاست

و فروش به دست می آید

گران شد؟

گفتوگوبامحسن رضایی، پژوهشگر ارشدبرنامه ریزی فرهنگی و حوزه کتاب سرانه مطالعه در مناطق تهران هم يكسان نيست فاطمه رحمدل

سرانه مطالعه در شهرهای مختلف متفاوت

سرت است و حتی در شهری مانند تهران هم سرانه مطالعه متفاوتی در نقاط مختلف دار د. محسن رُضایی، پژوهشگر حـُوزه کتاب و کارشناس ارشد برنامهرینزی فرهنگی به

سسشهای رایج درباره کتاب و کتابخوانی و

پرسستان در این زمینه پاسخ داده دغدغههای فرهنگی در این زمینه پاسخ داده است که شرح آن در پی می آید.

وضع مطالعه ایرانی ها را چگونه ارزیابی

در ایران دو دسسته کتابخسوان داریم. بالقوه

و بالفعل. دسته اول مشکلی ندارند و همیشه کتــاب مــورد نظرشــان را تهیــه می کنند و

می خوانند. اما گروه دوم با وجبود مهیا بودن زمینه مطالعه، انگیزه آن را ندارند. گرچه باید

رمید توجه داشت که گروهی هم بین این دو دسته جای دارند، یعنی آگاهی لازم و شرایط لازم برای مطالعه را ندارند. وضع مطالعه ایرانی ها

نسبت به مـُردمُ منطُقه خیلی بــد نیســت. اما در

ین حال تحقیق جامعی که دربـــاره میـــزان دقیق

سرانه مطالعه قابل استناد

باشد، انجام نشده است.

هر تحقیقیی هم که وجود

دارد به صبورت مبوردی و در جغرافیای خاص به طور غیرهدفدار انجام شده که

قابل استنادنيس

سفانه برای کل کشور

مال می توان با یک روش

دیگر به آماری نزدیک به

شده، صفحات و تیراژش را محاسبه و عدد حاصل

ا نسبت بــه جمعیــت

بررســی میکننــد کــه میزان مطالعهای که به هر

"رک شخص میرسد مشخص میشود.اکنون در بیشــتر کشورها،این روش

هم به کار گرفته می شود. ولی ما در بسیاری از

مندولوژیها از جهان عقب هستیم. چه روشیی برای تعیین دقیــق میزان مطالعه پیشنهادمی کنید؟

در استانها مطالعه جامع و کامل درباره سرانه مطالعه انجام دهیم و در این راه از افکارسنجی و مشاهدات میدانی استفاده کنیم. در دنیا با

روشهایی از این دست، حتی ساعات اصلی مطالعه مردم را تعیین می کنند. راه دوم هم

این است که باید در تعریف مان از مطالعه بازنگری و دقت کنیم کـه صرفا کتاب کاغذی

را مدنظر نداشته باشيم زيرا اكنون منابع

را مسطح یا بالاتر از کتاب در فناوریهای نوین

از دو روش می توان بهره برد. نخس

گفت و گو

ارکستر سمفونیک کلمات



فضای ادبیات داســتانی ایــران فضای پیچیدهای صفت عمومی دارد: همه همدیگر را نفی می کنند. به این معنی که تقریبا نمی توانیم چند نفر را نام ببریم که با همدیگر بر سر اصلی از اصول داستان نویسی یا اندیشیدن یا نقد و انتقاد کردن اشتراک نظر داشته باشیند. گویی که ب جای اصل همدلی، دشیمنی ورزیدن و نفی یکدیگر اصل است. متاسفانه این

نفی کردن دامنهاش به نسـلهای پیشـین ادبیات نیز کشیده شده اسـت. به گونهای که نویسندگان و نیز کشیده شده است. به نونه ی به نویسند س ر شاعرانی مطرح، در گفتوگو، از دیگر نویسندگان و حتی آنان کـه دیگر زنـده نیسـتند می گویند و می نویسـند و همه هم بر روال نفی. باید پرسید که ی ریـــــد و صمه هم بر روال نفی. باید پرسید که نفی نویسنده چه مفهومی دارد و عللش چه می تواند باشد؟

----روانشناسی معتقد اسـت که وقتی ما کسی را نفی باز همپیش من بیایید

فاطمه رحمدل

برای مانفی کننده مهم نباشد نفی اش نمی کنیم حالا برای مانفی کننده مهم نباشد نفی اش نمی کنیم حالا آیا باید بدید پریریم اگر در وفرهنگ ما، کسب در حوضچه نفی افتاده بایستی او را بیش از دیگران دید؟ بایستی او را پیش بینی کرد؟ باید اورا جور دیگر دید؟ رپیس مینی عرب بیدور، بور عبر است. شاید بهتر باشد پرده از روی ایس راز برداریم و ببینیم، آنفی دیگران، چه لذتی دارد؟ و چرا «نفی» تلاش های دیگران در فرهنگ ما ایرانیان

می کنیم به سوی دیگر نفی شونده نظر داریم. یعنی اگر

بهزحمت می انداز دو هم خوانندگانش را. او نویسـنده ای است که فضاســـازی و جغرافیای

داستان را به خوبی می شناسد. شاید حرفه اصلی اش

به آن پرداخته شود و هر نفی کننده، یک بار به این

ریشه عمیقی دارد؟

. پرسش پاسخ دهد که چُراُدیگری را نفی می کنیم حال آن که می توانیم یک ار کستر سمغونیک کلمات داشته



این کتاب شـامل ۱۳ داســتان کوتاه از مجموعه داستانهای پیشین امیررضابیگدای است. بیگدلی،

داستان نویس خوب و بی ادعایی است. دنبال تغییر داستان نویس خوب و بی ادعایی است. دنبال تغییر دادن جهان به وسیله کلمات دود زده نیست. نان خودمی خورد مو داستان خود رامی نویسد. در صف نویسندگان جلونمی زند، سرک نمی کشد و حسرت دیگران را نمی خورد او با هوشیاری یک و حسرت دیگران را نمی خورد او با هوشیاری یک نُوپسندهُ خوب سُعُی می کنند که خودش باشد و با کلمات خودش برای هموطنان خودش زیباییهای

زندگی را بنویســد. در برابر پرســشهای جهان از ســکوت عبور کند و البتــه او تصمیم نــدارد به هر قیمتی حرف بُزندوبنُویسد. تولســتوی می گویــد، یک نویســنده خــوب را

که مهندســـی اســـت، ویژ گیهای زبان ریاضی را به داستانهای او نیز منتقل ساخته است. مى توانىداز اھمىت دادن بە كلماتى كە بەكار مىبرد، ----ان های امیررضا بیگدلی محاسبات ریاضی قابل قبولی دارد. می تــوان امیدوار بــود که ادبیات حتما نکته درستی است. اگر نویسنده کلماتی که ز ما یک نویسنده با دغدغههای انسانی را دار د استفاده می کند را نشناسد، در بار معنایی دادن به جملات دچار مشکلات حاد می شود. هم خودش را که می تواند روایتی از زندگی های امروز را راوی باشا



بايستى حتما دانش انتقاداز نويسنده وأثار أدبى راداشته

باشد وگرنه همینجوری نمی توان هرچه

را به ذهن أمد در مقام انتقاد شناخت و محترمانه آن را شنید نه، نقد اسباب و

حقیقت خودش را دارد که متاسفانه

در فضای ادبی ما ایرانیان چندان جاری نیست. امیررضا بیگدلی با یک واقعهنگار و

گزارشنویس تفاوتدارد. پیشنهادمی ده

ر ر بی رہی ہے ۔ بەدوستان كەوقتىمىخواھنداز اوداستانى

بخوانند حتما نــام کامل او , ا بنویســید

زندگی و شهریت زندگی در داستان

داســـتانهای امــروز در ایران معمولا داســتانهای هســـتند که دهها قلمرو ذهنی را بــا همدیگر مخلوط می کنند به گونه ای که خُواننده نمی تواند آنها را از یکدیگر تفکیک کند و هر بخش از یک فضای ذهنی را با دیگر فضاها مر تبط سازد. با این وجود بعضی

نویسنده ها تلاش می کنند تا موضوعات داستانهای خود را با وضوح و بی هیچ دغدغهای با خوانندگان خـود در میان بگذارند. این داستان نویسان را باید بیش ز کتابهایشان دوست داشت. چراکه به داسستان و کلمات احترام می گذارند و از هواداران دبيات وزندگي هستند.

دریک تقسیم موضوعی و فشسرده داستانهای بیگدلی را می توان برخوردار ز محورهای زیر دید:

0

• زند گی شهری و روابط و عادتهای روزمره آدمهای مر تبط بااین نوع زندگی

امیررضابیگدلی

بتشكن، بين ميدان

بررضا بیگدلی، تیرماه سال ۱۳۴۹ در تهران

. کندی و چهارراه آیزنهاور آن روز که میشـود میدان توحید و چهـارراه نواب امروز بعـداز انقلاب از آن جا

به کرج رفتیم و در ۴۵متری گلشــهر بزرگ شدمام. به ترچ (حییم و در ندا محری نفسیه پر بر دسده». در بلوار گلستان این/روزها که پاییز سال ۱۳۹ است در تهران زندگی می کنسی» کارم در حوزه مدیریت پروژه است و دامشــغولی ام ادبیات. ادبیات استانی یعنی داستان می نویسم، داستان کوتام از نوجوانی به ادبیات

علاقهمند بودم. آن هم ادبیاتُ کلاسیکُ و بیشتر شعر. برای دانشگاه رشــته زبان و ادبیات فارسی را انتخاب

•رین(رون،سیس/وست: • بی طرفی نویسنده در وقایع نگاری • بر خور داری داستان هااز چار چوب های مفهومی • تَجانسُ فُرمَ بامضامين داستانُ ها • پرهیز از شعارزدگیهای مرسوم در

داستان های کوتاه ت ت در جز ننگــری و توصی منزله رکنسی از ارکان حیاتسی روایت

ت کتاب «باز هم پیش من بیایید» ۱۵۰ صفحه دارد و در ۵۵۰نسخه منتشـر شـده و قیمتش ۸۵۰۰ تومان است. از این ۸۵۰۰ تومان مطمئن باشیند که چیزی بیش اُز چیزکی سهم نویس

نیست. یعنی ۸۵۰ تومان ناقابل برای هر کتاب ۱۰درصد.باآن نمی توان هیچ خرید جزدعای خیربرای در گذشتگان خب کاریش نمی شود کرد.

من یک جورهایی با داســـتانهای نســـل جــوان اخت ــترى دارُم. چون معمــولا واقعيت نويس هــ واقعیتهای زندگی را زیر میکروسکوپ ذهن میگذارند. تخیــالات دور پروازانـه معمــولا پرهیز می کننــداهل تخیــالات دور پروازانـه معمــولا پرهیز می کننــداهل بدل های ساختگی دربار مداستان نیستند.

البته برخی از نویســندگار: حیرتانگیزی دارند که ســ

۰ سب بر ۱۰۰۰ هر ۳ کتاب فضای داستانی نس و مُشابهی دارند. همین مشابهت سبب به رستبها فتادن خوانندگان میشود البته نه همه خوانندگان بلکه خوانندگانی که وقتی کتاب می خواننددر هر سطر دنبال یک گاف

می گردندتانویسنده را بچزانند. من این نوع رفتار را دوست نداره. خصوصا که این رفتار بخواهدنام نقد به خودش بگیرد.

مريم كاملان | این نوشته ها را نمی توان نقد نامید چون فاصله بسیاری با واقعيتهاى زندكى وحقيقت نوشتن ونويسندكى دارداكر خواننده داستان مایل به انتقاداز داستان نویس یا شاعر باشد

درباره داستان نویسی امیررضابیگدلی

ـنُدُگان جوان تعصب حیرتانگیزی دارند که ســبب میشــود خواننده،جرأت نکندنظرش را با آنها درباره - و صد برات صد استان هایشان بگوید. ۳ کتـــاب از امیررضا بیگدلـــی خواندهام.

بخونصه خطه هم نامل و را بخویسید امیررضا بیگدلی. من به سنهم خودم مجموعه داستان آدمها و دودکشهایش را دوست دارم. ایسن روزها همه اش به این می اندیشم که آیا این نویسنده رمان هم خواهد نوشت یا خیر؟

قصه پیشنهادچاپ کتابی رابه من دادو ِهمین طور شد

وجود دارد که با خواندن آنان امر مطالعه محقق ی برای ترویج کتابخوانی بین کســانی که علاقهمندنيستدبايدچه كرد؟

... پ کی باید سیاست گذاری فرهنگی را تغییر دهیم یعنی آموزش و تبلیغات کتابخوانی قانونمند تی کی اراز ب تی تیک در کی ارازی شود و قوانین حقوقی و حرفهای داشته باشیم. دولت باید بخشی از حمایت از فعالیتهای فرهنگیاش را ب تبلیغ و آموزش جامعه در فرهندی اس را به ببلیغ و امبورس جمعه در این راه اختصاص دهد و برایش سبرمایه گذاری کند. تبلیغات کتابخوانی هم دو نوع است: یکی این که مردم کلا به امر کتابخوانی توجه کنند

و دیگری این که بخش خصوصــی وظیفــه تبلیــغ را بــه عهــده بگیرند و مخاطبان را بـرای آگاهـی از کتابهـای منتظـر شده آگاه کنند در این زمینه هم ۳ راه وجود دارد: تىلىخ كتباب پیش از چاپ و درحال نوشتن، در حال انتشار . توزیسع و در زمسان سروش که ایسن روند تبليغ در ايران هيچ گاه محقق نمیشود و اگر

هم شود ذوق و سلیقه درزمينيه مشكلات ر. تبلیغ به صداوسیما

ضوابط تبلیغ کتاب در این رسانه نامشخص است در حالی که ضوابط عمومی می گوید هر کتاب وقتی چآپ می شـود می تواند تبلیغ هم برایش صورت بگیرد و این خواننده اسـت که

بریس خورت داردنه شخص دیگر. حق انتخاب داردنه شخص دیگر. اکنون ضوابط تبلیغ کتاب توسط هیچ نهادی مشخص نیست نه وزارت فرهنگ و ارشاد نه صداوسیمانه شهرداری؛ در صورتی که اگر

است که به بحث علمی تبدیل شود زیرا در دنیا شیوههای نظارت 🌃 عقلانے و منطقے وجــود دارد و هر يک بــه شــيوهای انتخاب . یر ت میشوند. بههرحال تأثیر نظارت بر عموم جامعه زیاد نیسـت و

بــــ رید بیست مســلما عمــوم مردم اهمیت نمیدهند که چه کتابهایی مجوز تولید نمی گیرند. مشکل نظارت به سے۔ تولید اندیشــه برمی ربحث بیسن مندانی است خا گــرددوبحـــثب _ کــه می خواهنا اندیشــه کنند که اگر هم مجوزی به کتابی

تاثیر آموزش و پرورش بر وضع کنونی مطالعه راچگونه ارزیابی می کنید؟

ىخاطبان خاص دارند.

نظــام آموزشــی ما کتــاب محور نیســت و کودکان بــرای مطالعه محرکــی ندارند؛ همه متکی ہے نمرہ، محدرک و شخ ، اند، درحُالی که باید از [ٔ] پر کــردن ذهنَ با معلوماتی کـه زود فراموش میشـوند پرهیز داشـت و در مدارس و دانشـگاهها شیوههای نوین روش تحقیق و کسـب مهـارت آموزش

نويسندهدر حضور شهروند سلام برشهروندان

شدم آنها را سیاممشقهایی میدانم که نمیباید كردم. اما هيچوقت تلاش نكردم شعرى بنويسم. اما ىوفقشدمېنويسم. ری ۱۰ دستنوشستههایم در کتابخانهام محفوظاند. اولین داستانی که از من چاپ شد داستانی بود به نام «باتلاق» که در مجله ادبی دانشکده ادبیات دانشگاه آزاد

بسید... از چاپ دومین مجموعه داستانم بسیار خوشحالم. سیار خوشحالم که آن داستانها رامن نوشتهام. یکی ایرانوی اعدار معداد آن دیگر شروع شد کهنوشتا کرج چاپ شد. بعداز آن دیگر شروع شد کهنوشتم اما نوشتیم در سال ۱۳۷۸ مجموعای از داستانهای کوتاهم تحتعنون «چند عکس کنار اسکله» توسط نشر ماریه چاپ شد خیلی زود از چاپ آن پشیمان نشر ماریه چاپ شد خیلی زود از چاپ آن پشیمان اُن داستان درُسال ۱۳۸۱ برنده تندیس برنزی صادق هدایت شد. شاید برای بردن همین جایزه بود که نشر

چاپ می شداماشد. چون عجول بودم. کم کم شناختم نسبت به داستان کوتاه بیشتر شد وقتی درحال نوشتن داستان ازیادی سختنگیر سمانه ا بودم، فهميدمداستان كوتاهچيست.

همین مُجموعه بود که تُوسط داوران دُومین جشنواره ادبی اصفهان در سال ۱۳۸۳ شایسته در یافت لوح تقدیر اماً این کمی غُمانگیز است که هیچکنام از کتابهای منجایی در کتابخانههای شمابازنکرد.چرا؟نمی دانم. در حال حاضر چهارمین مجموعهٔ داستان خُود را آماده کرده و در تلاش برای چاپ آن هستم. گزیدهای هم از

که دومین مجموعه دانستانم به نام «آن مرد در باران مد» در سال ۱۳۸۲ توسط آن ناشــر راهی بازار شد.

داستانهای ۳ کتاب پیشینم به نام «باز هم پیش من بیایید» منتشر شده است. شاید این فرصتی است که شمارادوباره دركنار خودم ببينم

برمی گردد کـه روند تبلیغ کتاب در آن، آن قدر سـخت اسـت که من به شخصه فکر می کنم شاید ممنوع باشد.